

شهر و زمینه‌های شکل‌گیری و اجزاء تشکیل‌دهنده آن در ایران باستان

دکتر فیض‌اله بوشاسب، استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد، نجف‌آباد، ایران

پریسا انیکازی، کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان

چکیده

از روزگاران قدیم دلایل متعددی باعث شده تا یک شهر شکل بگیرد. دلایلی مثل آب و هوا، موقعیت جغرافیایی و حاصلخیزی منطقه شاید از دلایل عمده در جمع شدن مردم در یک ناحیه و تشکیل شهر بوده است. براین اساس، مسئله شکل‌گیری شهر و زمینه‌های آن در تاریخ ایران جای تأمل دارد. از این رو، نگارنده برپایه‌ی روش تحقیق تاریخی و اتکاء بر منابع، سعی کرده است تا چگونگی به وجود آمدن شهر و زمینه‌های شکل‌گیری آن را در دوران باستان بررسی کند. بر همین اساس، یافته‌های این پژوهش عوامل شکل‌گیری شهر و اجزای آن را با تأثیرپذیری عوامل گوناگونی چون: شرایط جغرافیایی، آئین‌ها و باورها، عوامل نظامی و بازرگانی و سیاسی و حکومتی نشان بدهد. در هر حال، دلایل متعدد و زیادی دست به دست داده تا در شکل‌گیری شهر موثر واقع شوند.

واژگان کلیدی: شهرهای باستانی، مردم، اقلیم، شهرنشینی، جمعیت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۸

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۷

E-mail: Ponikazi@yahoo.com

مقدمه

در طول زمان، همانگونه که سلسله ها و جهانداران زیادی در تاریخ ایران در پی یکدیگر آمده و نوساناتی در وضع اجتماعی و سیاسی ایجاد کرده اند، شهرها نیز از این امر مستثنی نبوده و تابع جزر و مد روزگار و حوادث و گذشت زمان بوده اند. شهرها هم مانند مردمان، سرگذشت جالب و قابل توجهی داشته اند که تحقیق درباره هر یک از آنها می تواند وضع اجتماعی و اقتصادی هر دوره را مشخص کند و به طور قاطع علل توسعه و اهمیت یا زوال و ویرانی شان را روشن کند. در پیدایش و رشد شهرها عوامل زیاد و گوناگونی دخیل بوده اند. آن چه در این پژوهش به آن پرداخته شده شرح و تبیینی است راجع به چگونگی به وجود آمدن و رشد شهرها و اینکه عوامل گوناگونی مانند شرایط جغرافیایی، عامل نظامی و غیره از عوامل موثر در پیدایش شهرها بوده اند. برای پی بردن به پیدایش شهر و ایجاد زمینه های شکل گیری شهرها در ایران باستان و برای ورود به پژوهش، پاره ای سوالات را می توان به عنوان سوالات پژوهش مطرح کرد. این سوالات به عنوان نمونه عبارتند از اینکه:

چه عواملی در پیدایش شهر و ایجاد زمینه های شکل گیری و اجزاء تشکیل دهنده آن در ایران باستان موثر بوده است؟

آیا پادشاهان در به وجود آمدن شهرها دخالت داشته اند؟

آیا رشد جمعیت در شکل گیری شهر موثر بوده است؟

آیا دین و مذهب در شکل گیری شهر دخیل بوده است؟

در پاسخ اولیه به سوالات مطرح شده، فرضیاتی مطرح می شود. بدین معنی که عوامل گوناگونی همچون علل سیاسی، اداری، نظامی و مذهب در پیدایش شهرها دخیل بوده اند. شاید پادشاهان برای استقرار ارکان دولتی و نهادهای سیاسی در شکل گیری شهرها تلاش کرده اند. احتمالاً ازدیاد جمعیت روستاها و کوچ آنها به محیط های بزرگتر راه را برای ایجاد شهر هموار کرده است. شاید اعتقادات و باورهای مردم و تجمع آنان در کنار یک مکان مقدس، در شکل گیری شهر موثر بوده است.

لازم به ذکر است که این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی وبا استفاده از روش مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و مدارک موجود به نگارش درآمده است.

مفهوم شهر

شهر در فارسی باستان «خشت» نامیده می‌شد که به معنای پادشاهی (قلمرو پادشاه) بوده است. واژه مزبور در اوستا به صورت «خستر» (khashtar) آمده و واژه فارسی «شهر» را از همین واژه اوستایی گرفته‌اند (اشرف، ۱۳۵۴: ۱۱). بخش نخست واژه اوستایی خسترویرییه (xsathra vairya) (شتریور در زبان پهلوی و شهریور در زبان فارسی) به معنی شهرهم هست. در زبان پهلوی «خستر» به «شتر» بازگفته شده و در زبان فارسی شهر به جای شترنشسته است (آصفی، ۱۳۶۹: ۶۵).

در زبان سنسکریت این واژه به صورت «کشتر» (keshtar) تلفظ می‌شده است. در روزگار ساسانی شهر به معنی امروزی آن «شهرستان» خوانده می‌شده است. «استان» جزء دوم واژه شهرستان؛ از واژه فارسی باستان و اوستایی «استانه» آمده است که معنی جاومکان دارد و از آن در فارسی پسوند «استان» را داریم که از ریشه «استا» به معنی ایستادن است. بدین ترتیب، شهرستان یا شهر در کاربرد امروزی، جایگاه پادشاهی و مرکز قدرت سیاسی و حکومت بوده است. این مفهوم باستانی از شهر، در واقع موقعیت و پایگاه اداری و سیاسی شهر را در نظام اجتماعی و سیاسی ایران باستان به خوبی نشان می‌دهد.

به نظر عده‌ای از صاحب نظران، مفهوم شهر با تقسیمات اداری کشور، یا ساتراپی‌ها و واحدهای اداری فرمانگذار آنها، رابطه نزدیک داشته است. هر ساتراپی به «پارکی» هایی چند تقسیم می‌شد که هر یک «کوره» یا استانی با سازمان اداری جداگانه بود و هر کوره به روستاهایی چند تقسیم می‌شد.

شهرستان به معنی مرکز استان، ناحیه، کوره، منطقه و کشور بوده است. برای این مفهوم در دوره اسلامی واژه قصبه را به کار می‌بردند (اشرف، ۱۳۵۴: ۱۱).

تعریف شهر

تعاریف متعددی از دیدگاه‌های گوناگون برای شهر ارائه شده است. برای مثال، هر یک از متخصصان جامعه‌شناس، سیاستمدار، اقتصاددان، جمعیت‌شناس، جغرافیدان و شهرساز، تعریف ویژه‌ای در پیوند با تخصص خود از شهر ارائه می‌دهند. چنانکه از دیدگاه جمعیت‌شناسان، تعاریفی در کشورهای مختلف برای شهر ارائه شده است:

در سوئد و فنلاند هر دوهزار نفر، و در غنا تجمع بیش از پنج هزار نفر، در یونان بیش از ده هزار نفر، و در مصر بیش از یازده هزار نفر تشکیل شهر می‌دهد.

این تنوع بسیار در تعریف شهر براساس جمعیت آن، با توجه به اختلاف وضع جغرافیایی و اقتصادی کشورها، طبیعی است. در نتیجه بر این پایه نمی‌توان تعریف جامعی برای شهر در جهان ارائه نمود (سلطانزاده، ۱۳۶۲: ۴۱).

از تعاریف دیگری که برای شهر شده، تعریف شهر از دیدگاه کارکردی است. مولر لیر (Muller Lyer) شهر را «هر تجمعی که جایگاه فعالیت‌های ویژه ای باشد» دانسته است. سمبارت (Sombart) شهر را جایی می‌شناسد که با گسترش آن، مردم یکدیگر را نمی‌شناسند. وی این تعریف را برای جامعه‌شناسی مفید می‌داند (ادیبی، بی تا: ۲۴). ماکس وبر در این مورد می‌گوید که تعریف‌های بسیاری در مورد شهر ارائه شده که تنها یک وجه مشترک در آنها وجود دارد، بدان معنا که شهر به بیان ساده، متشکل از یک یا چند بنای مسکونی جدا از یکدیگر است، اما به طور نسبی یک زیستگاه بسته است (وبر، ۱۳۶۹: ۶۳). لویی ویرث (Louis VYRS) هم در مورد شهر چنین نظری دارد: «شهر یک روند تغییرات است و نه یک تغییر خشن که در تنگناها و خواسته‌های متعلق به یک پهنه و یا متعلق به عده‌ای از ساکنین یا متعلق به این و آن معیار قضایی یا اداری محاط شده باشد، این یک شیوه زندگی است که در موسسه‌ای نسبتاً بزرگ، دائماً میان انبوه افرادی که از نظر اجتماعی ناهمگن هستند جاری است» (رمی، ۱۳۵۸: ۵۹).

روث وایت هاوس (Ruth White House) نیز معتقد است که: «شهر بزرگترین واحد در جوامعی است که به آن حداز سازمان‌بندی که ماتمدن می‌نامیم دست یافته اند. در واقع واژه شهر و تمدن در زبان لاتین هردو از یک ریشه‌اند و همین نشان می‌دهد که این دو مفهوم از دیرباز در ذهن مردمان رابطه بسیار نزدیک داشته‌اند» (وایت هاوس، ۱۳۶۹: ۳).

از دیدگاه‌های دیگری نیز تعریف شهر را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱) یک شخصیت حقوقی حقوق عمومی است. این تعریف یک حوزه اقتدار سازمان‌یافته و یک نهاد وظیفه‌مند را به یاد می‌آورد.

۲) نمود و نمادی از اندیشه است. اندیشه آمده در این تعریف خود آفریده و زاده روند زیست تاریخی انسان می‌باشد.

۳) می‌توان از نظر جامعه‌شناسی، شهر را محل سکونت وسیع، دایمی و متراکم افرادی که از نظر اجتماعی ناهمگون‌اند، تعریف کرد.

۴) امیل دورکیم شهر را «مکان همبستگی ارگانیک» می‌داند (آصفی، ۱۳۶۹: ۱۳۶۹).

از نوشته‌های نسبتاً محدودی که به شهرهای ایران کهن پرداخته‌اند، چنین برمی‌آید که شهر به مثابه نهادی بوده تابع مستقیمی نظام حکومتی و حکومتی-اداری و شکل فضای کالبدی آن نیز، تابع مستقیم همین نظام بوده است، و این نظام حکومتی، با تفکیک شهروندان براساس کارشان به چهار طبقه اصلی، هر یک را مرتبتی خاص قائل بوده و مکانی معین و محدود به آن اختصاص می‌داده است (فلامکی، ۱۳۶۶: ۵).

روند شکل‌گیری شهرها

به مرور زمان، با افزایش دانش انسان و تسلط نسبی او بر طبیعت، سکونت در روستا جنبه دائمی تری یافت و با کسب تجارت بیشتر در زمینه کشت و زرع، امکان استقرار جمعیت‌های بیشتری فراهم آمد و این استقرار که به هر حال با ساختن سرپناه همراه بود، شکل و سیمای جدیدی به محل زندگی بخشید و بالطبع روابط جدیدی را حاکم بر زندگی کرد. انسان از زمانی

که اسکان یافت، ناگزیر به اجرای مقررات وضوابط جدیدی شد. به جبر زندگی گروهی و یکجانشینی بود و از این پس تنها او نبود که با ساخته‌هایش به تغییر محیط پرداخت، بلکه خود نیز از این ساخته‌ها متأثر شد و ناگزیر به تغییر شیوه زندگی گردید. با افزایش تدریجی جمعیت و به تبع آن، گسترش ابعاد روستاها، شهرها زاده شدند. مدت‌ها به سبب معیشت مبتنی بر زراعت ساکنان شهرها، حاصلخیزی منطقه تنها شرط ایجاد و بقای شهر بود. از این رو شهرهای ابتدایی در نقاطی پدیدار شدند که از خاک حاصلخیز و اقلیم مناسبی برخوردار بودند (تقوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۱۴-۱۳).

ابن‌خلدون، نیز در این زمینه معتقد بود که: «مردمان زیر فشار نیاز زندگی به ساختن شهر می‌پردازند، بنیاد آغازین شهر در گرو پیدایش گروه‌های انبوهی از مردمان است. این گروه‌های انبوه آن هنگام به بنیاد شهر می‌پردازند که، در زمینه‌های گوناگون توان دستیابی به ابزارها و بن‌مایه‌های مادی را پیدا نمایند» (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۶۷۳).

پرویز ورجاوند، بر اساس کاوش‌های انجام شده، ویژگی‌های دوران آغاز شهرنشینی در دنیای باستان را این گونه برمی‌شمارد:

- ۱) وسعت یافتن روستاها بر اثر رشد جمعیت.
- ۲) وجود اضافه محصول فرآورده‌های کشاورزی و دامپروری در منطقه، تاحدی که بتواند پاسخ نیازهای مردم غیرکشاورز را بدهد.
- ۳) وجود پرستشگاهی که مورد پذیرش جمع وسیعی از ساکنان منطقه باشد.
- ۴) پیشرفت علم و صنعت در زمینه‌های سفالگری، قلمکاری، بافندگی، ساختمان، ابزار سازی و غیره.
- ۵) رشد داد و ستد بازرگانی در سطح منطقه، و فراتر از آن، که منجر به ایجاد بازار و مکان‌هایی برای عرضه کالا، مبادله و داد و ستد باشد.
- ۶) وجود خط و نوشته.
- ۷) ایجاد تخصص در کارها و پیشه‌ها.

- ۸) پیدایش گروه‌های اجتماعی با نقش‌ها و منزلت‌های مختلف.
- ۹) فعالیت‌های گسترده و جمعی برنامه‌ریزی شده با نظارت دولت و سازمان سیاسی برای حفاظت از زیستگاه در برابر عوامل طبیعی چون سیل و طغیان‌های فصلی، خشکاندن باتلاق‌ها، ایجاد و توسعه شبکه‌های آبرسانی و نظایر آن.
- ۱۰) ایجاد و سازماندهی نیروهای دفاعی و جنگاور برای مقابله با تجاوزهای دیگران (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱-۲).

عوامل موثر در پیدایش شهرها

عوامل گوناگونی در پیدایی شهرها موثر بوده‌اند که از جمله آنها می‌توان به عوامل جغرافیایی، دینی، نظامی و غیره اشاره کرد. در اینجا قصد داریم تا عوامل مزبور را بررسی نمائیم.

عامل جغرافیا

مناسب بودن موقعیت طبیعی محلی کهنشهر در آنجا پا می‌گیرد، از جمله عوامل مهم جغرافیایی در پیدایی شهر است. در این زمینه می‌توانیم به میزان دسترسی هر چه بیشتر به منابع آب کافی شهر و در عین حال در امان بودن از گزند طغیان رودخانه اشاره کنیم. چنانکه در ایران، با توجه به شرایط اقلیمی نیمه خشک آن، ایجاد شهرها در نزدیکی چشمه سارها و با فاصله مطلوب از رودخانه‌ها در بخش عمده‌ای از نجد مزبور صورت می‌گرفته است. نکته قابل توجه آن که، رشد «روستا - شهرها» را به گونه‌ای چشم‌گیر در بیشتر موارد، می‌بایست در پیوند با بهره‌مند بودن از موقعیت طبیعی مطلوب دانست. از آن جمله است: در اختیار داشتن زمین‌های مناسب برای توسعه کشاورزی و دامداری، دسترسی کافی به منابع آب، برکنار بودن از مسیر بادهای موسمی آزار دهنده، داشتن فصل‌های منظم و مانند آن (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۸).

عوامل آیین و دین و باورها

نقش دین در پیدایش و شکل بخشی به شهرها از دیرباز نزد تمامی اقوام و ملت‌های جهان مورد توجه بوده است. پایه‌گذاری شهردرکنار چشمه یا دامنه کوه مقدس و یا در محل شهادت یا درگذشت یک شخصیت ممتاز دینی و سرانجام تأثیر باورهای مردم در شکل بخشیدن به شهر، عامل مهمی بوده که نمی‌توان و نباید در بررسی شکل‌گیری و بافت شهرها، به ویژه در دوران باستان، آن را نادیده گرفت. زیرا بنیان‌گذاری عمده شهرهای کهن، به اعتباری امر مقدس در پیوند با آیین مورد قبول جامعه بوده و از اصول پذیرفته شده آیین و باورهای جامعه پیروی می‌کرده است (ورجواند، ۱۳۶۶: ۹-۸).

افزون برآنکه در سراسر دوران کهن- خواه در دوران باستان و خواه در سده‌های میانه پرستشگاه و بازار دو محور بنیادی زندگی شهری بوده‌اند، بسیاری از شهرها ارمغان بنیادیابی زیارتگاه و پرستشگاه می‌باشند (اصفی، ۱۳۶۹: ۶۹).

تخت سلیمان که آن را می‌توان نمونه شهری دینی دانست، از چنان اهمیتی برخوردار بود که گفته‌اند شاهان ساسانی از تیسفون با پای پیاده به زیارت آن می‌رفتند (پیرنیا، ۱۳۶۹/ ج ۱: ۸۹).

عامل آیین و دین، گذشته از سهم موثری که در پایه‌گذاری و تکوین بسیاری از شهرها داشته، در طراحی معماری بناها و شبکه‌بندی و چگونگی بافت آن‌ها نیز نقش تعیین‌کننده داشته است. در ایران، حضور عامل آیین و باورهای جامعه در شکل‌گرفتن شهرهایی از دوران باستان مشاهده می‌شود. این حضور به دو گونه است:

نخست تکیه و تأکید بر نیایشگاه یا نیایشگاه‌های شهری و سپردن موقعیت برتر بدان که در نتیجه دیگر واحدهای معماری شهر و شبکه‌بندی‌ها خود را با آن مراکز اصلی وفق داده‌اند. مانند فیروزآباد و تخت سلیمان در دوره ساسانی دوم، تأثیر نمادهای دینی و باورهای جامعه است در طرح و شبکه‌بندی شهر، که از آن جمله‌اند: توجه به افلاک و ستارگان و جهت برآمدن خورشید

و ماه در طول سال، یا آغاز آن، و شکل خورشید و نظایر آن؛ مانند دروازه‌های چهارگانه در شهرهایی چون «هترا» یا «دارابگرد» (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۹).

عوامل دیگری را نیز می‌توان برشمرد، چون وجود خانقاه و مقبره یک عارف و صوفی بزرگ، به عنوان منشأ ایجاد یک شهر در آن محل بوده که این عوامل به دوران ایران پس از اسلام بیشتر ربط دارند و در دوران باستان جزو عوامل شهرسازی نبوده‌اند.

عامل پدافندی و نظامی

کمتر سرزمینی را در جهان می‌توان یافت که از دوران باستان تا آغاز قرن بیستم در بنای عمده شهرهایش به عامل پدافندی و جنبه‌های نظامی توجه نکرده باشند. هرچه به عقب باز می‌گردیم، تأثیر عامل پدافندی و جنبه‌های نظامی رادر شکل و ساخت شهرها و بافت و شبکه آن بیشتر و به گونه‌ای چشم‌گیرتر شاهد هستیم (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۹).

وضع جغرافیایی ایران، یعنی واقع بودن در منطقه حد فاصل آسیای میانه، هند و بین‌النهرین و آسیای صغیر، همواره این سرزمین را در معرض حمله‌ها و هجوم‌های ملل و اقوام و قبایل مجاور قرار داده است. چنانکه سراسر تاریخ این کشور، انباشته از هجوم‌ها، دست‌اندازیها و غارت‌هایی بوده که توسط اقوام متجاوز صورت می‌پذیرفته و بیشتر تحولات و دگرگونی‌های تاریخی این مرزوبوم، یا حاکی از تصرف کشور توسط بیگانگان، یا حاکی از راندن بیگانگان و تثبیت حاکمیت قومی و ملی بوده است. بنابراین، حاکمان کشور همواره مجبور بوده‌اند از مناطق مرزی در برابر هجوم بیگانگان محافظت کنند و یکی از موثرترین شیوه‌ها برای آمادگی در برابر حمله‌های احتمالی، احداث شهرهای مرزی در نقاط حساس بوده است (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۴۵). چنانکه شاپوراول پس از لشکرکشی به سوی توران و شکست «پهله چک تور» پادشاه تورانیان، دستور داد تا در محل درگیری که خراسان بود، شهری بنا شود. وی شهر مذکور را «نیوشاپور» نامید که اکنون نیشابور نامیده می‌شود (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۲۸).

شهرهای عمده داخل سرزمین را نیز به تأسیسات دفاعی مجهز می‌ساختند. از این رو، در بررسی عمده شهرهای دوران ایلامی به بعد، در تمامینجد ایران، ایجاب می‌کند تا به عامل پدافندی که در شکل بخشیدن به نقشه (پلان) و بافت شهر، ارتفاع و ستبری حصار، پهنای خندق، شکل برج‌ها و دروازه‌ها، چگونگی شبکه‌ها و تقسیم بندی‌های داخل شهر و بالاخره کهن دژ مورد توجه قرار گیرد. بلندی و ستروگی حصارشهر دورانتاشی (چغازنبیل) در دوران ایلامی، نمونه کهنی از این تأسیسات دفاعی است و تصویرهای به جامانده از شهرهای مادی در حجاری‌های شهر آشوری که همه مجهز به برج‌های ستروگ و حصارهای بلند هستند، همه روشنگر آن است که شهر به یاری حصار و برج‌ها و گاه حصارهایی چند مجهز می‌شده است. به کارگرفتن طرح دایره‌ای شکل در برخی از شهرهای پارتی به نظر باستان‌شناسان به دلیل جنبه‌های پدافندی آن بوده است (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۰).

عامل بازرگانی

عامل بازرگانی را در پایه‌گذاری برخی شهرها و دگرگونی و رشد برخی دیگر از شهرها باید از جمله عوامل قابل توجه به شمار آورد (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۰). منظور از شهرهای بازرگانی - تولیدی در پیش از اسلام، شهرهایی هستند که بخش مهمی از نیروی کار در آنها صرف تولید و تجارت و صنایع دستی شده است (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۵۵). به راه افتادن کاروان‌های بازرگانی با بار و بنه‌ی پرارزش در مسیری که چین را از راه نجد ایران به کناره شرق دریای مدیترانه متصل می‌ساخت، سبب به وجود آمدن طولانی‌ترین و شگفت‌آورترین مسیر بازرگانی جهان شد که امروز از آن با عنوان «جاده ابریشم» یاد می‌کنند (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۱).

جاده ابریشم در تون- هوانگ، چین را ترک می‌گفت و پس از مسافتی کوتاه به کاشغر می‌رسید و در اینجا به دوشاخه منشعب می‌گردید: یکی جاده شمالی که پس از گذشتن از فرغانه و سمرقند به مرو می‌رسید، و دیگری جاده جنوبی که از کوه‌های پامیر می‌گذشت و پس از گذر از شهر بلخ، در مرو به جاده شمالی می‌پیوست. این جاده به هکاتوم پولیس و از آنجا به هگمتانه

ادامه می‌یافت و سرانجام به سلوکیه- تیسفون، برکران دجله منتهی می‌گشت. دنباله این جاده به سوریه و روم شرقی از اینجا آغاز می‌شد (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۳: ۷۸).
وجودنگاره‌ها و نبشه‌های متعدد و پراهمیت نشان می‌دهد که راه دامنۀ بیستون از رفت و آمد سرزنده‌ای برخوردار بوده است. سرزندگی یک راه در روزگار باستان تنها می‌تواند ناشی از رونق تجارت بوده باشد (رجیبی، ۱۳۸۳: ۲۸۴).

در چنین شرایطی است که در شهرهای قدیم تغییراتی متناسب با فعالیت‌های بازرگانی به وجود آمد و در محل برخی از کاروانسراها و استراحتگاه‌های کوچک میان راه، شهرک‌ها و شهرهای بازرگانی ایجاد شد و یا شهرهای تازه بنیاد، پا گرفت. درآمدهای سرشار حاصل از داد و ستد بازرگانی و گرفتن حق ترانزیت، منابع لازم را برای انجام هزینه‌های سنگین ایجاد شهرهای جدید و توسعه ایستگاه‌های میان راهی فراهم آورد. از آغاز دوران تاریخی به بعد تا پایان عهد ساسانی، عمده شهرهای نجدایران در زمینه بازرگانی فعال بودند و همگام با آن بر اثر رشد تولیدات صنعتی در زمینه‌هایی چون پارچه بافی، فلزکاری، اسلحه‌سازی، شیشه‌سازی و دیگر رشته‌ها، بر اهمیت آنها افزوده شد و مجموعه‌های معماری متناسب با امرداد و ستد دریافت شهرها پا گرفتند و گسترش یافتند. در عهد ساسانی، بازارها و راسته‌های مختلفی متعلق به صنعتگران در زمینه‌های گوناگون، بخش‌های عمده شهرها را تشکیل می‌دادند (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۱) و شهرها به مرکز عمده‌ای در راه‌های ترانزیت و بازرگانی کشور بدل شدند (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۵۲). هنوز هم آثار و بقایای بناهای مزبور که بر روی شن یا پایه‌های سنگی بنا شده، با درخشندگی خاصی به چشم می‌خورد (ماسه، ۱۳۸۸: ۱۶۸). به عنوان مثال، ری شهر در زمان ساسانیان ناحیه‌ای به شمار می‌رفت که فرآورده‌های کشاورزی آن قابل توجه نبود و فقط امور بازرگانی می‌توانست گسترش آن را باعث شود. این شهر به عنوان مرکز تجارت مرواریدهای ظریف شناخته شده بود و در همان زمان نیز برای تجارت بین سواحل خلیج فارس از آن استفاده می‌شد (ویلیامسون، ۱۳۵۱: ۱۵۱).

همین‌طور سلوکیه قدیم (وه اردشیر) که قطعاً خود مصرف‌کننده تمام کالاهای وارداتی نبوده، تنها به عنوان یکی از نقاط انتقال کالا، مرکزیت تجاری داشته و امتعه غربی پس از ورود به این شهر برای رسیدن به بازارهای شرق دور و یا بازار مصرف داخلی به شیوه‌های دیگر انتقال می‌یافته است. همچنین این نقطه به عنوان یکی از آخرین باراندازهای غرب کشور، وظیفه‌ی انتقال کالا به روم را عهده‌دار بوده است. بر این اساس، کارکرد تجاری از اهم کارکردهای شهرهای ساسانی، به ویژه پایتخت و شهرهای واقع در مسیر راه‌های تجاری بوده است و حتی شهرهای دفاعی مرزهای شمالی و شمال شرقی نیز در ایجاد امنیت تجاری سهم داشته‌اند (تقوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۱۶۹).

عامل سیاسی، حکومتی و اداری

احداث عموم شهرها، یعنی محل استقرار ارکان دولتی و نهادهای اداری سیاسی، توسط پادشاهان و برخی امراء و حکام محلی صورت می‌پذیرفته و مهمترین نقش و کارکرد این گونه شهرها، همین جنبه سیاسی-اداری آنها بوده است. به همین دلیل، احداث شهر موضوعی سیاسی تلقی می‌شد و هر حاکمی اجازه این رانداشت و اگر یک حاکم محلی بدون اجازه، دست به چنین کاری می‌زد، یعنی شهری و یا حتی کاخ بزرگی می‌ساخت، مورد بازخواست قرار می‌گرفت (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۴۱-۴۰) و نشانه استقلال طلبی و موضع‌گیری در برابر حکومت و دولت به شمار می‌رفت. چنانکه بنای «پاسارگاد» توسط کوروش در سرزمین پارس، و «گور» یا فیروزآباد توسط اردشیر، پیش از رسیدن آنها به مقام شهریاری، هر دو به عنوان نشانه سرباز زدن از فرمان و قیام در برابر پادشاه ماد و اردوان پنجم شاهنشاه اشکانی توجیه شد. به این ترتیب، عامل اصلی ایجاد تعدادی از شهرها جنبه سیاسی - حکومتی بوده و این پدیده در طول تاریخ همچنان ادامه داشته است (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۲-۱۱).

عامل تشریفات و برگزاری مراسم

در طول تاریخ گاه با شهرهایی برخورد می‌کنیم که عامل پیدایش آنها وابسته است به جنبه‌های تشریفاتی و برگزاری مراسم مختلف در برخی مناسبت‌ها و فصل‌های سال. در این زمینه می‌توان «پارسه» یا تخت جمشید را به عنوان نمونه برشمرد، که ویژگی بناهای روی صفه و نقوش حجاری‌های آن همه حکایت از آن دارد که در این مکان در مدتی کوتاه از سال، مراسمی مفصل و جشن‌های بزرگی بر پا می‌شده است. به اعتباری، از دور دست‌ترین سرزمین‌های شاهنشاهی، مردمی برای شرکت در آنها حضور می‌یافته‌اند (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۲).

اسکان دادن اسرا

از دیگر عوامل موثر در ایجاد و گسترش شهرها، به خصوص در دوره ساسانی، اسکان دادن اسرای جنگی در نقاط مختلف کشور بوده است. دولت ساسانی در جنگ‌های ایران و روم، اسرای جنگی را در نواحی دوردست کشور اسکان می‌داد و در لشکرکشی‌های خود، گاهی تمام سکنه یک شهر یا یک ناحیه را کوچ می‌داد و در یکی از نقاط داخلی کشور مستقر می‌نمود. به همین مناسبت، شهرهایی بنا گردید و نیز به منظور بهره‌مندی از رشته‌های گوناگون صنعتی در کشور و برای کشت و زرع در بیابان‌های لم یزرع، از قدیم الایام عادت بر این بود که اسیران جنگی را به چند گروه تقسیم می‌کردند و در قسمت‌های مختلف کشور ساکن می‌نمودند و این امر به پیروی از رویه پیشینیان بود. چنانکه داریوش عده‌ای از مردم «ارتی» را به خوزستان و اطراف شوش کوچاند. ارد، شاهنشاه اشکانی اسیران رومی را -که در جنگ کاره گرفته بود- در حوالی مرو جای داد و شاپور اول شاهنشاه ساسانی نیز اسیران رومی را در گندیشاپور سکونت داد و از مهارت آنان در کار مهندسی استفاده کرده و بند معروف به قیصر را بنا نمود. شاپور دوم اسیرانی را که از شهر «آمد» گرفته بود، بین شوش و شوشتر و سایر شهرهای خوزستان اسکان داد (بهرامی، ۱۳۵۶: ۲۱۸-۲۱۷) یا مانند شهر رومیه، یا به آنطیو خسرو (بهرت از انطاکیه)، که به هنگام

پادشاهی خسرو انوشیروان اندکی دورتر از سلوکیه در ناحیه رومیکان شهری جدید بناگردید و اسیران جنگی ناحیه انطاکیه را در این شهر جای دادند (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۲۴).

اجزا و بخش‌های تشکیل دهنده شهر

شهر در ایران از سه بخش اصلی به نام کهندژ (قهندژ)، شارستان و ربض تشکیل می شد (سلطانزاده، ۱۳۶۲: ۱۲۴).

در نوشته‌ها و در شمایای تدوین شده، گذراز قطب شهر به طرف خارج آن، چنین ترسیم شده: از کهندژ به شارستان و از شارستان به ربض و از فضاها کم و بیش ساخته شده ربض به باروی شهر و به دروازه‌های آن گذر می‌شود، و در طول این خط، سلسله مراتبی ملحوظ است، مترادف یا منطبق بر نظام حکومتی- اداری شهر و سرزمین آن (فلامکی، ۱۳۶۶: ۵).

۱) کهندژ (ارگ شهر): کهن دژ بخش حکومتی و حاکم‌نشین و برخی از نهادهای حکومتی بود و محل آن عموماً در وسط شهر و در روی تپه‌ای طبیعی و گاه به ندرت خاکریز ساخته می‌شد (سلطانزاده، ۱۳۶۲: ۱۲۴)، که هم به وضع جغرافیایی اش مربوط می‌شد و هم نیاز به دفاع و حفاظت داشت؛ (فلامکی، ۱۳۶۶: ۷) که دیوار و گاهی خندق داشت (اشرف، ۱۳۵۴: ۱۱) با برج و بارویی بلند (توسلی، ۱۳۶۰: ۷). مهمترین ساختمان آن کاخ بود و به عنوان هسته مرکزی با معماری متفاوت و متعلقات متعدد ضمن تسلط بر بخش‌های دیگر، از آنها متمایز بود و معبد به عنوان یکی از دو قطب قدرت با بنایی خاص و متمایز از دیگر عناصر کالبدی، به منظور اثبات یگانگی دین و دولت معمولاً در این بخش قرار داشت (تقوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۱۷۲).

۲) شارستان یا شهرستان: آن را شهرستان یا جایگاه قدرت می‌نامیدند و دیواری گرداگرد آن می‌کشیدند (اشرف، ۱۳۵۴: ۲۱). به بخش اصلی شهر که محل زندگی مردم بوده اطلاق می‌شده (سلطانزاده، ۱۳۶۲: ۶۷) که درون آن خانه‌ها و بازارها قرار داشته است (توسلی، ۱۳۶۰: ۷). این بخش، مکان اصلی برخورد مردم و جریان روابط اجتماعی و اقتصادی بود و با بازار و محلات مسکونی خود به زندگی شهر رونق می‌داد. داد و ستد، گردهمایی در میادین شهر و اطلاع از

وقایع روزمره و اخبار مربوط به جنگ‌ها در آن انجام می‌گرفت و در نهایت محل اصلی نظارت بر روابط اجتماعی از سوی بخش اداری (ارگ) نیز محسوب می‌شد (تقوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۱۷۴).

در متون تاریخی مربوط به شهرهای سده سوم و چهارم و پنجم پس از اسلام، که عمده آن‌ها را همان شهرهای کهن تشکیل می‌دهند، شاهدیم که ثروت و آبادانی و فعالیت‌های اصلی شهر به طور عمده در شارستان و گاه حتی در ربض متمرکز است (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۴).

۳) ربض: بخش خارجی و بیرون شهر که آبادی‌ها و مزارع حاشیه شهر در آن قرار داشت (توسلی، ۱۳۶۰: ۷) آن را «بیرون» می‌گفتند. عربها این بخش بیرونی شهر را «ربض» می‌خواندند (اشرف، ۱۳۵۴: ۲۱) که سومین دایره به شمار می‌رود (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۱۴).

ربض با اهمیت کمتری نسبت به دوبخش فوق با ساکنانی که از پایین‌ترین اقشار طبقه خراجگزار بودند، با تولید کشاورزی و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز دو بخش دیگر، عملاً نقش مهمی در ادامه حیات شهر داشته است (تقوی‌نژاد، ۱۳۶۶: ۱۷۴).

ربض در بسیاری از موارد بارو و حصار عظیم بود در دوره رشد سریع شهرها، بسیار اتفاق می‌افتاد که ربض اهمیت می‌یافت و بازار و جامع، در مواردی چند دارالحکومه هم، در آن ساخته می‌شد و گاه شهرستان رو به ویرانی می‌رفت، درحالی که ربض از رونق و وفور داد و ستد در حد بسیار خوبی قرار داشت (سلطانزاده، ۱۳۶۲: ۱۲۴).

نتیجه

با گذشت زمان وبا افزایش دانش و تسلط نسبی انسان بر طبیعت، سکونت و زندگی در روستا جنبه دایمی تری به خود گرفت و با کسب تجربه های بیشتر در کشاورزی، امکان استقرار یابی جمعیت های بیشتری فراهم شد و این استقرار قانون جدیدی را بر زندگی حاکم کرد. شهرهای اولیه در نقاطی شکل یافتند که دارای خاک حاصلخیز و اقلیم مناسبی بودند. گاهی نیز وجود مکان های مقدس و همچنین تأثیر باورهای مردم در تشکیل شهر، عامل مهمی بوده است. به گونه ای که دین و آیین حتی در معماری و بافت بناها نیز تأثیرگذار بوده اند. وضع جغرافیایی ایران هم این کشور را مورد هجوم اقوام گوناگونی قرار داده بود و در چنین شرایطی حاکمان کشور مجبور بوده اند از مناطق مرزی در برابر هجوم دشمنان محافظت کنند و یکی از موثرترین شیوه ها برای آمادگی در برابر حمله های احتمالی، احداث شهرهای مرزی در نقاط حساس بوده است. تجارت و بازرگانی هم به نوبه خود در شکل گیری شهرها دخیل بوده، به گونه ای که درآمدهای حاصل از دادوستد بازرگانی و گرفتن حق ترانزیت، شرایط لازم را برای تشکیل شهرهای جدید فراهم کرد. تلاش پادشاهان نیز در تشکیل شهرها برای استقرار امور حکومتی تأثیرگذار بوده است. لشکرکشی و به همراه آوردن اسرا به کشور نیز نیازمند جاومکان برای اسکان آنان بوده که برای این منظور نیز شهرهایی پا گرفتند. در نتیجه، در شکل گیری شهر دلایل و عوامل گوناگونی همچون: شرایط مناسب جغرافیایی، آیین ها و باور ها، عوامل نظامی و بازرگانی و نیز سیاسی و اداری و حکومتی دخیل بوده اند.

منابع

الف- کتاب‌ها

- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶) مقدمه ابن خلدون. ترجمه پروین گنابادی. جلد ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۶۹) شیوه‌های معماری ایران. تدوین غلامحسین معماریان. چاپ ۱. تهران: موسسه هنر اسلامی.
- ۳- پیگولوسکایا، نینا (۱۳۶۷) شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا. چاپ ۱. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴- تقوی نژاد، محمدرضا (۱۳۶۶) شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان. چاپ ۲. تهران: یساولی.
- ۵- توسلی، محمود (۱۳۶۰) ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران. چاپ ۴. بی‌جا: چاپخانه رشیدیه.
- ۶- رجبی، پرویز (۱۳۸۳) هزاره‌های گمشده. جلد ۴ و ۵. تهران: نشر توس.
- ۷- رمی، ژان (۱۳۵۸) تاریخچه مختصری از جامعه‌شناسی شهر. ترجمه مینا مخبری. تهران: ایران.
- ۸- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۲) روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران. چاپ ۱. تهران: آگاه.
- ۹- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۵) مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- ماسه، هانری (۱۳۸۸) تاریخ ایران. ترجمه جواد-م. چاپ ۱. تهران: فراگفت.
- ۱۱- وبر، ماکس (۱۳۶۹) شهر در گذر زمان. ترجمه شیوا(منصوره) کاویانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۲- هاوس، روث وایت (۱۳۶۹) نخستین شهرها. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: نشرفضا.

۱۳- یارشاطر، احسان و دیگران (۱۳۸۳) **تاریخ ایران**. پژوهشگاه دانشگاه کمبریج. جلد ۳. بخش ۱. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.

ب- مقالات

- ۱- آصفی، حمدالله (۱۳۶۹) **نگرشی بر شهر و شهرنشینی**. مجله علوم اجتماعی و انسانی. دانشگاه شیراز. س ۵. ش ۱: ۸۷-۶۳.
- ۲- ادیبی، حسین (بی تا) **تعریف شهر**. نامه علوم اجتماعی. س ۲. ش ۲: ۲۵۳۵,۲-۳۳-۲۲.
- ۳- اشرف، احمد (۱۳۵۴) **ویژگی های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی**. مجله نامه علوم اجتماعی. س ۱. ش ۱: ۴۹-۷.
- ۴- بهرامی، اکرم (۱۳۵۶) **مجله بررسی های تاریخی**. س ۱۲. ش ۲: ۲۶۰-۲۱۳.
- ۵- فلامکی، منصور (۱۳۶۶) **شکل گیری شهرهای ایران**. شهرهای ایران. جلد ۲. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۲۷-۱.
- ۶- ورجاوند، پرویز (۱۳۶۶) **شهرسازی و شهرنشینی در ایران**. شهرهای ایران. جلد ۴. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۷- ویلیامسون، آندریو (۱۳۵۱) **تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و قرون اول و دوم جری**. مجله باستان شناسی و هنر ایران. ش ۹ و ۱۰: ۱۵۲-۱۴۰.